

Actor-Centric Analysis of Iraq's Future Based on the Foreign Orientations of the Members of Shia Coordination Framework

Saeed Sasanian*, Mohammad Dezhkam**

*. Ph.D. in Regional Studies (Middle East) (Author)

*. Ph.D. in Strategic Management



<https://doi.org/10.22034/srq.2023.400633.4064>
https://quarterly.risstudies.org/article_182887.html

Receive Data: 29 May 2023

Accept Data: 13 Sep 2023

Extended Abstract

Introduction

Following the 2003 invasion of Iraq by the United States and its allies, and the subsequent downfall of Saddam Hussein's regime, the Shiites effectively ascended to power, marking a historic milestone. This newly established power, coupled with the endeavor to sustain this achievement, provided the members of the 'Shia Coordination Framework' (SCF) an impetus to engage with foreign actors. As stability was established in Iraq, there was a desire among some factions to reinstate Iraq's influential role at the regional level, leading to shifts in their foreign Orientations. Concurrently, the necessities of governance, conservative perspectives on their accomplishments, and the ongoing presence of American forces in Iraq, collectively led to changes in the views of certain Iraqi Shia actors towards foreign powers.

For the Islamic Republic of Iran, understanding the perspective of the Shia Coordination Framework members in Iraq towards itself, as well as two other key players - Saudi Arabia and the United States - is crucial. This can shape Tehran's policy in relation to them. Consequently, the primary question this paper seeks to address is: Given the foreign inclinations of the Coordination Framework members, what is their stance towards the aforementioned three actors - Iran, the United States, and Saudi Arabia - and what implications does this have for the future of Iraq?

Methodology

This paper, drawing on expert opinions, explores the inclinations of the five principal players in Iraq's Shia coordination framework. These include the Marjaeya (Shia highest authority), Hizb al Da'wa al-Islamiyya (Islamic Call Party), Tayar al-Hikmah al-Watani (National Wisdom Movement), al-Tayyar al-Sadri (Sadrist Movement), and the political factions associated with Quwwat al-Hashd ash-Sha'bi (Popular Mobilization Forces). The analysis focuses on their stance toward four potential scenarios: American supremacy, Saudi supremacy, Iranian supremacy, and the establishment of a power balance. The actor analysis method is employed within the Vector software to conduct this investigation.

Discussion and Results

The findings of this study highlight the profound and extensive role of Marjaeya within Iraq's Shia coordination framework. Marjaeya stands as the principal actor in mobilizing power across the four proposed situations, thereby playing a vital role in Iraq's future. Therefore, the Marjaeya will continue to be the main Shiite institution in regulating Iraq's foreign relations. Ayatollah Sistani, serving as Marja, implements a leadership strategy in Iraq that involves formulating broad frameworks while abstaining from involvement in specifics. While this approach may occasionally lead to adverse outcomes, it nonetheless facilitates the political activity of various actors within Iraq's unique, diverse, and pluralistic society, thereby serving the country's broader interests. The preservation and respect for such an institution, which has been a priority for the Islamic Republic of Iran for many years, remains essential and promotes the national interests of both Iraq and Iran.

Another aspect to take into account is the appeal of maintaining a balance of power and diversity in Iraq's foreign relations for all participants in the Shia coordination framework in Iraq. The research indicates that the preference of these participants for the balance option is not significantly different from their preference for Iran's supremacy. However, it's important to note that while the former option faces no opposition, the latter is opposed by groups such as al-Tayyar al-Sadri. In addition to the coordination framework, it's crucial to acknowledge the presence of other influential entities. Consequently, it appears that the Islamic Republic of Iran, while recognizing the needs of Iraq and its Shia actors, should strive to enhance its presence and influence in Iraq with minimal friction. Naturally, such a strategy is complex and challenging, but the inevitable acceptance of a balance in which Iran remains a strategic ally of the coordination framework and seeks to expand relations with other actors will yield more benefits. This is particularly true given that Iraq's overarching objective is to diversify its foreign relations.

Another observation is that al-Tayyar al-Sadri can adopt both convergent and divergent stances concerning various objectives. This flexibility could potentially be leveraged against the Islamic Republic of Iran. The character of Moqtada Sadr and his recent activism towards Iran, particularly during the past parliamentary elections and the prime minister's election, suggest that his capacity to diverge from Iran could provide a springboard for Iran's rivals to destabilize the coordination framework in the Iraqi political landscape. However, Sadr knows very well that his detachment from the framework will limit the possibility and scope of his political activity. This has led him to take some considerations into account in his attitude towards Iran, Marjaeya, and Quwwat al-Hashd ash-Sha'bi. In any case, Sadr's ambivalence, while potentially serving as a conduit for threats against Iran, is also viewed as a platform for creating opportunities.

Conclusion

In summary, it can be said that Iraq's future will head towards a balance and diversity in its foreign policy. For this, Iran's involvement in Iraq's foreign policy should be maintained and strengthened in this context.

Keywords: *Iraq; Shia Coordination Framework (SCF); Actor-Centric Analysis; Vector; Actor-Centric Analysis.*



تحلیل بازیگرمحور آینده عراق متناسب با تمایلات خارجی اعضای بیت شیعی آن

سعید ساسانیان*، محمد دژکام**

Sasanian65@gmail.com

*. دکتری مطالعات منطقه‌ای، گرایش خاورمیانه (نویسنده مسئول)

** دکتری مدیریت راهبردی

۱۴۰۲/۰۶/۲۲

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۲/۰۳/۰۸

تاریخ دریافت:

چکیده

عراق، یکی از مهم‌ترین کشورهای منطقه غرب آسیا است که تاریخی پرتحول داشته و طی سال‌های اخیر نیز در تلاش برای بازیابی نقش تاریخی خود در منطقه بوده است. بیت شیعی به‌عنوان اصلی‌ترین و پرجمعیت‌ترین کنشگر در عراق، در ترسیم این آینده، نقشی کلیدی دارد. ماهیت ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیکی و ژئوکالچری این کشور، منجر به نگاه ویژه برخی کشورهای خارجی به عراق شده است. در همین چارچوب، بازیگران بیت شیعی عراق نیز متناسب با منافع و گرایش‌های خود، می‌کوشند تا جایگاه خود را در معادلات سیاسی این کشور، همسو با تمایلات خارجی خود سامان داده و و فراتر از آن، مناسبات سیاست خارجی عراق را ذیل این تمایلات قرار دهند. در این میان، جمهوری اسلامی ایران، عربستان سعودی و ایالات متحده آمریکا، سه بازیگر کلیدی‌ای هستند که بازیگران بیت شیعی عراق، با نسبت‌هایی از تعامل/ تقابل با آنها، در پی آینده‌سازی برای کشور خود می‌باشند. مقاله حاضر در پی شناخت سویه‌های این آینده متناسب با روابط تعاملی و تقابلی بازیگران بیت شیعی عراق با سه بازیگر نام‌برده است. تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد میزان اهتمام بازیگران بیت شیعی عراق به گزینه توازن، قابل‌تأمل بوده و این مهم می‌تواند در ترسیم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در آینده، اثرگذار باشد.

واژگان کلیدی:

عراق، بیت شیعی عراق، تحلیل بازیگر، مکتور، غرب آسیا.

مقدمه

شیعیان عراق که بیش از ۶۰ درصد مردم این کشور را تشکیل می‌دهند، تا پیش از سقوط صدام حسین، رئیس‌جمهور معدوم این کشور، همواره تحت فشار حکومت‌های مستقر می‌زیستند و عملاً کنشگری سیاسی آنها، به‌صورت غالب، با فضایی سرکوب‌گرانه از سوی حاکمان مواجه می‌شد و به‌همین دلیل وجهه بارز این کنشگری، اعتراضی و انتقادی بود. آنها در بحبوحه استقلال عراق، عملاً توسط انگلیسی‌ها سرکوب شدند. با کودتای عبدالکریم قاسم در سال ۱۹۵۸ که منجر به سقوط سلطنت در این کشور و شکل‌گیری جمهوری در آن شد، باز هم شیعیان با وجود در اکثریت بودن، سهمی از قدرت را در اختیار نداشته و همواره از سوی حاکمان به‌عنوان یک «دگر» تلقی می‌شدند. در زمان حکمرانی سایر رؤسای جمهور عراق از جمله حسن البکر و صدام حسین نیز چنین انگاره‌ای پابرجا بود و مشخصاً در زمان صدام، به اوج رسید، به‌گونه‌ای که وی همواره می‌کوشید تا با ایجاد جو اختناق و سرکوب، به مهار شیعیان دست زند. صدام حتی در این مسیر، به حذف فیزیکی شخصیت‌های برجسته‌ای چون آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر و خواهر ایشان و آیت‌الله سیدمحمدصادق صدر و دو فرزند ایشان نیز مبادرت کرد و مراجع تقلیدی چون آیت‌الله خوبی را نیز تحت فشار قرار می‌داد. در انتفاضه شعبانیه در ۱۹۹۱ نیز جمع زیادی از شیعیان مناطق جنوبی عراق به شهادت رسیدند.

فضای سرکوب گسترده و عمیق در قبال شیعیان عراق در تمامی دهه‌های گذشته، باعث شد تا آنها که در اکثریت بودند، عملاً سهمی از قدرت نداشته باشند. با اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ توسط آمریکا و متحدانش و سقوط حکومت صدام حسین، عملاً تحت شرایطی خاص، شیعیان موفق شدند در یک دستاورد تاریخی، به قدرت برسند. دستیابی به قدرت از یک‌سو و تلاش برای حفظ این دستاورد از سوی دیگر، عملاً زمینه نگاه‌های خارجی معناداری را در بیت شیعی این کشور نسبت به بازیگران خارجی ایجاد کرد. با تحقق ثبات در عراق، عملاً برخی از بازیگران بیت شیعی این کشور، در سودای بازیابی نقش اثرگذار عراق در سطح منطقه‌ای که در طول تاریخ قابل مشاهده است، برآمدند و همین امر باعث شد تا در رویکردهای خارجی آنها نیز تغییراتی حاصل شود. از سوی دیگر، الزامات حکومت‌داری، نگاه‌های محافظه‌کارانه نسبت به دستاورد کسب‌شده، تداوم حضور آمریکا در عراق و... همگی باعث شد تا نگاه‌های خارجی برخی از بازیگران بیت شیعی عراق دستخوش برخی تغییرات شود. آنها اکنون نه به‌عنوان یک اکثریت دورمانده از قدرت، که در هسته مرکزی قدرت و سیاست در عراق یعنی نخست‌وزیری جای دارند. طبیعی است که حفظ چنین دستاوردی، یک مسئله اساسی برای آنها باشد، به‌گونه‌ای که هر بازیگر واگرا از چنین ضرورتی، ناگزیر است تا نسبت به حضور خود در قدرت نیز تجدیدنظر نماید. از سوی دیگر، برخی الزامات ساختاری در عراق و همچنین ضرورت‌های نقش‌آفرینی‌های برون‌مرزی، باعث شده و می‌شود تا عراق به‌مثابه یک کل واحد - که بیت شیعی در هسته مرکزی آن قرار دارد - به بازیابی جایگاه منطقه‌ای خود عمیقاً بیاندیشد. چنین بازیابی‌ای، می‌تواند الگوهای رفتاری عراق را دستخوش تغییر نماید؛ حوزه‌های جدید همکاری برای بغداد تعریف نماید، الگوهای دوستی و دشمنی، به‌لحاظ مفهومی و شکلی دچار تغییر

شوند و نقش‌هایی چون میانجی‌گری در کنشگری سیاست خارجی عراق، برجسته‌تر از قبل شوند. چنین مواردی عملاً می‌تواند جایگاه عراق را در مناسبات منطقه‌ای دچار تغییر سازد.

این موارد، در نوع نگاه بیت شیعی عراق به بازیگران اصلی خارجی دارای نفوذ در این کشور، اثرگذار است. به بیان دیگر، برخی از بازیگران بیت شیعی عراق، چون عمدتاً در پی ارتقای جایگاه منطقه‌ای این کشور هستند و آن را یک ضرورت ساختاری برای تأمین منافع و امنیت ملی می‌پندارند، ناگزیر هستند تا میان اصلی‌ترین بازیگران خارجی متنغد در عراق، راهبردی مشخص را در نظر گیرند. جمهوری اسلامی ایران، عربستان سعودی و ایالات متحده آمریکا، سه بازیگر کلیدی موردنظر هستند. ترکیه نیز البته در این میان دارای نقش است اما می‌توان از آن به دلیل تشابهات مذهبی و ارتباطات مشترک با اهل سنت - اگرچه تفاوت‌هایی جدی نیز قابل ذکر است - صرف‌نظر کرد و این سه بازیگر خارجی را اصلی‌ترین بازیگران متنغد در عراق نامید.

برای جمهوری اسلامی ایران، شناخت نوع نگاه اعضای بیت شیعی عراق به خود و دو بازیگر دیگر یعنی عربستان و آمریکا، حائز اهمیت است، چراکه می‌تواند سیاست‌گذاری و کنشگری آن را در قبال این بیت و این دو بازیگر تحت تأثیر قرار دهد. بر همین اساس، سؤال اصلی مقاله آن است که متناسب با تمایلات خارجی اعضای بیت شیعی عراق، رفتار آنها نسبت به سه بازیگر مذکور چگونه است و آینده عراق از برهم‌کنش این تمایلات، چگونه خواهد بود. در پاسخ، فرضیه‌ای در نظر گرفته نشده چرا که مقاله، ضمن توصیف تمایلات مذکور، به بررسی برهم‌کنش‌ها و در نتیجه توان، واگرایی‌ها و همگرایی‌های بازیگران نسبت به گزینه‌های محتمل پرداخته و از این منظر، امکان در نظر گرفتن فرضیه وجود ندارد.

موضوع این مقاله از آنجا حائز اهمیت است که شناخت تمایلات اعضای بیت شیعی عراق به صورت انفرادی و دیالکتیکی نسبت به بازیگران خارجی، می‌تواند زمینه را جهت فهم دقیق‌تر مناسبات معطوف به این کشور برای جمهوری اسلامی ایران فراهم سازد و از سوی دیگر، گزینه‌های سیاستی و اقدامی آن را برای تأمین منافع ملی، بیشتر از قبل بهینه سازد. طبیعی است که عدم‌شناخت این مناسبات نیز می‌تواند منجر به اتخاذ تصمیم‌هایی در ایران گردد که زمینه را برای واگرایی اعضای بیت شیعی عراق از یکدیگر و از ایران، مهیا نماید. بنابراین اهمیت و ضرورت مقاله حاضر، متناسب با منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، قابل توجه است.

الف) پیشینه پژوهش

درخصوص آینده‌پژوهی عراق، تا کنون و باتوجه به اهمیت تاریخی این کشور برای ایران، پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است. اسدی و راستگو (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «آینده نظام سیاسی عراق: پیشران‌ها و سناریوهای پیش‌رو»، با روش سناریونویسی شوارتز، به این نتیجه رسیده‌اند که در صورتی که توان و اقتدار دولت مرکزی افزایش و منازعات قومی - مذهبی کاهش یابد، نظام سیاسی عراق، به سمت انسجام سوق می‌یابد؛ کاهش اقتدار دولت مرکزی و افزایش منازعات قومی - مذهبی باعث تجزیه عراق می‌شود و افزایش هم‌زمان اقتدار دولت مرکزی و منازعات قومی و مذهبی نیز منجر به ظهور سناریوی

فدرالیسم (بر مبنای خطوط قومی- مذهبی) خواهد شد. یزدانی و دیگران (۱۳۹۵) نیز در مقاله «سناریوهای محتمل آینده عراق بر اساس بازیگران مؤثر سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی»، با روش سناریونویسی، با احتساب بازیگران متعدد موجود، به چهار سناریو در خصوص آینده عراق، متناسب با تحولات ناشی از اشغال بخشی از عراق توسط داعش دست یافته‌اند. بخشایشی و دیگران (۱۴۰۱) در مقاله «دموکراسی انجمنی و بررسی سناریوهای آینده در عراق» به چهار سناریوی ممکن (تجزیه عراق)، باورکردنی (افزایش واگرایی و بحران)، محتمل (دیکتاتوری وحدت ملی) و مطلوب (انسجام ملی)، دست یافته‌اند. مقالات دیگری چون «سناریوهای پیش‌روی آینده عراق و تحلیل دورنمای حقوقی، بین‌المللی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران» (منتظران و قربانی، ۱۳۹۶)، «روند پژوهی تاریخی و آینده فدرالیسم عراق» (بوداچی و دیگران، ۱۴۰۰)، «آینده پژوهی ثبات سیاسی در کشور عراق تا ابتدای سال ۲۰۳۰» (محسنی و دیگران، ۱۴۰۰) و «فرقه‌گرایی، حکمرانی و آینده عراق» (Alaaldin, 2018) نیز هر کدام با تمرکز متفاوت اما نتایجی نسبتاً مشابه، به آینده پژوهی نظام سیاسی عراق پرداخته‌اند.

در پژوهش‌های بررسی‌شده، موارد زیر یافت نشد. نخست اینکه پژوهشی که مشخصاً با رویکرد آینده پژوهی بر رفتار خارجی اعضای بیت شیعی عراق متمرکز باشد، یافت نشد؛ اگرچه برخی موارد خاص مشاهده شد که صرفاً از منظر گروه‌های نظامی شیعه به مسئله ورود کرده بودند (همچون: Rached & Bali, 2019). همچنین، در میان روش‌های به‌کارگرفته‌شده در حوزه آینده پژوهی عراق، جز مقاله ساسانیان (۱۳۹۶) که از روش مکتور برای تحلیل آینده حکمرانی بر کرکوک استفاده کرده، پژوهشی دیگر با این روش در دسترس نیست و عمده پژوهش‌ها با رویکرد سناریونویسی انجام شده است. بنابراین، این مقاله به‌لحاظ نقطه تمرکز یعنی تمایلات خارجی شیعیان عراق و همچنین روش تحلیل بازیگرمحور (مکتور)، دارای نوآوری محسوب می‌شود.

ب) چارچوب تحلیلی: آینده پژوهی بازیگرمحور

اگر آینده‌نگاری را شامل کنار هم قراردادن عوامل کلیدی تغییر و منابع دانش، به‌منظور توسعه چشم‌اندازهای راهبردی و تعیین طیفی از سیاست‌ها بدانیم، نکته با اهمیت آن است که آینده‌نگاری اغلب به صراحت به‌دنبال ایجاد شبکه‌هایی از عوامل برای پاسخ‌گویی بهتر به چالش‌های سیاستی و غیره است. این امر نه‌تنها با اطلاعات پیشرفته برآوردشده توسعه می‌یابد بلکه از طریق آگاهی از منابع دانش و جهت‌گیری‌های راهبردی دیگر اعضای شبکه امکان‌پذیر است. بنابراین سناریوهای حاصله از آینده‌نگاری، پیونددهنده بین آینده و راهبردهای خلق‌شده هستند (Slaughter, 1999: 287). چنین رویکردی عمدتاً تمرکزش بر پیشران‌های کلیدی است و این پیشران‌ها را در تعامل با یکدیگر، بررسی می‌کند تا پژوهشگر به‌سوی سیاست‌گذاری رهنمون شود. در شرایطی که با چندین بازیگر مواجهه هستیم به‌گونه‌ای که تحلیل هر کدام از آنها در نسبت با وضعیت‌ها یا عوامل کلیدی یک موضوع یا سیستم متفاوت است و از سوی دیگر میزان نفوذ این بازیگران بر یکدیگر هم در جهت‌گیری آنها برای رسیدن به هدف اثرگذار است، ناگزیر به «تحلیل بازیگر» می‌باشیم. اساساً تحلیل بازیگر به‌کار می‌رود تا به‌طور مؤثرتری جایگاه بازیگران مورد بررسی قرار گیرد، تصمیمات یا اهداف به‌روشنی پیاده‌سازی شوند، متن سیاست بازیگران درک شود

و امکان‌سنجی گزینه‌های سیاستی برای آینده بررسی شود (Brugha, 2000: 239-246 & Varvasovsky).

براین اساس است که در آینده‌نگری راهبردی، تفکر سناریومحور و فرایندهای مذاکراتی، بازی بازیگر نقش مهمی در تحلیل ایفا می‌کند، به‌گونه‌ای که چنین تحلیلی، موقعیت‌های ذی‌نفعان در بسیاری از مسائل راهبردی، ارزیابی هم‌گرایی‌ها و واگرایی‌ها و پیش‌بینی ائتلاف‌ها و تضادها را در نظر می‌گیرد (Bendahan, 2003: 1). ذکر این نکته هم می‌تواند مفید باشد که میان بازیگر و ذی‌نفع، با تسامحی که در استفاده یکسان از این دو وجود دارد، بعضاً تفاوت‌هایی ذکر شده است. این تفاوت در میزان اثرگذاری این دو است به‌گونه‌ای که ذی‌نفع به گروه‌هایی اشاره دارد که یک منفعت یا سهمی در فرایند تصمیم‌گیری دارند اما ابزارهای نسبتاً کمی برای تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری یا سیستم دارند (زارع میرک‌آباد، ۱۳۹۳). برخی نیز با تمرکز و تأکید بر ذی‌نفعان، بین افرادی که بر یک تصمیم یا اقدام تأثیرگذار هستند یا تحت تأثیر آن قرار دارند، تفاوت قائل شده و این دو را ذی‌نفعان فعال و منفعل می‌نامند (Grimble & Wellard, 1997).

در هر صورت مهم این است که وقتی چند بازیگر بر روی مسائل مورد پیگیری، دارای اهداف گوناگونی باشند، تحلیل اثر آنها بر یکدیگر و بر عوامل کلیدی آن مسائل، ضروری است. در چنین شرایطی از مدل‌های مبتنی بر نقش بازیگران بهره برده می‌شود. تحلیل بازیگران در شرایطی مشخص می‌تواند فن مناسبی برای تحلیل سیستم باشد. این شرایط عبارت‌اند از (Bendahan, 2005):

- سیستم دارای پویایی زیادی است؛
 - تعداد بازیگران کلیدی سیستم محدود است؛
 - بازیگران اثرات قابل توجهی در تکامل سیستم دارند؛
 - بازیگران دارای هویت مشخص هستند و با توان و امکانات خود تلاش می‌کنند سیستم را به سمت نتایج مرجح خود متمایل کنند؛
 - تعاملات بازیگران در سیستم، انعطاف دارد و ممکن است به شکل همکاری یا رقابت باشد.
- مدل‌های مبتنی بر نقش بازیگران عمدتاً در غالب دو رویکرد گسترده تحلیلی قابل فهم‌اند. رویکرد اول از روش طراحی سناریو برگرفته‌شده که توسط میشل گودت ارائه شده است. این روش مبتنی بر تئوری سیستم پایه‌گذاری شده است. رویکرد دوم اما با آثار نویسندگانی که در حوزه تصمیم‌سازی سیاسی و حوزه‌های مذاکراتی فعال بوده‌اند، سامان یافته است (Bendahan, 2003: 3).

ج) روش پژوهش

این مقاله با رویکرد آینده‌پژوهانه و با روش ساختاری تحلیل بازیگر و با بهره‌گیری از نرم‌افزار مکتور که روش تحلیل تأثیر متقابل نیز در آن جای دارد، انجام شده است. داده‌های آن کیفی و کمی بوده و از منابع کتابخانه‌ای و مصاحبه با پنج نفر از خبرگان موضوع مطالعات عراق و منطقه غرب آسیا و نهایتاً

توزیع پرسشنامه میان ده نفر از این چنین افرادی صورت گرفته است. در ادامه، روش تحلیل بازیگر با استفاده از نرم‌افزار مکتور تشریح می‌گردد.

روش مکتور، توسط گودت^۱ طراحی شد. در مباحث پیش‌بینی، این ابزار تحلیلی در سال ۲۰۰۱ ارائه شد و به بررسی راهبردها و جهت‌گیری‌های بازیگران، نحوه مواجهه با برنامه‌ها و توازن قدرت بین آنها می‌پردازد و وابستگی‌ها، واگرایی‌ها و همگرایی‌های بازیگران را روی اهداف و مسائل کلیدی استخراج می‌کند (Godet & Others 2003). در ادامه، منطق، فرایندها و ورودی‌ها و خروجی‌های نرم‌افزار MACTOR که وظیفه پردازش نظرات خبرگان و ارائه خروجی‌های کاربردی برای بررسی مناقشات میان بازیگران ذی‌نفع بر سر مسائل را برعهده دارد، تشریح می‌شود. بر اساس آنچه بنداهان (Bendahan, 2003, 4) گفته است، اجزای MACTOR عبارت‌اند از:

مسئله^۲: می‌تواند یک ایده، موضوع، مشکل یا موضوعات دیگر باشد که محل بحث یا نزاع هستند. مسائلی که نتایج آن ممکن است بر تغییرات آینده سیستم اثرگذار باشد، از موضوعات مورد علاقه بازیگران است، به‌ویژه مسائلی که بازیگران نسبت به آنها به‌صورت محسوسی از یکدیگر واگرایی دارند.

بازیگر^۳: به‌عنوان نهادی تعریف می‌شود که سهمی در سیستم مورد مطالعه دارد و با بسیج منابع تحت اختیار خود برای اثرگذاری مستقیم و غیرمستقیم بر نتیجه مسئله، در تغییرات سیستم ایفای نقش می‌کند. بازیگران متفاوت معمولاً به‌وسیله اهداف واگرا و هم‌چنین اولویت‌های متفاوت از هم قابل شناسایی‌اند.

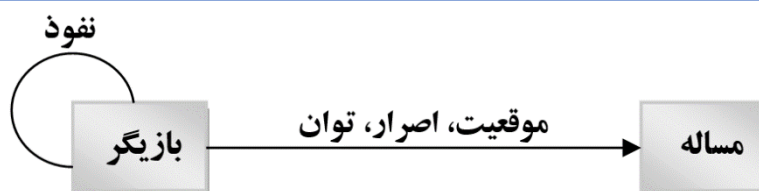
موقعیت^۴: موقعیت یک بازیگر یا ذی‌نفع نسبت به مسئله، بیانگر پیامد مرجح او نسبت به مسئله در راستای اهدافش است. معمولاً موقعیت در طیف راهبردها یا اهداف ارزیابی می‌شود. طیف راهبردها، بیانگر فضای چانه‌زنی بازیگر است.

اصرار^۵: اهمیت ذهنی مسئله برای بازیگر را نشان می‌دهد. اصرار به‌نوعی بیانگر میزان اراده بازیگر برای اعمال نفوذ روی مسئله است.

توان^۶: توان بازیگر نسبت به یک مسئله، بیانگر میزان قدرت او برای نفوذ مستقیم بر نتایج یک مسئله با توجه به ابزارهایی است که در اختیار دارد (میزان نفوذ او بر دیگر بازیگران، یکی از این ابزارهاست).

نفوذ^۷: نفوذ یک بازیگر بر بازیگر دیگر، بیانگر قدرت اثرگذاری او بر رفتار دیگری است.

1. Godet
2. Issue
3. Actor
4. Position
5. Saliency
6. Clout
7. Influence



شکل ۱: اجزای تحلیل رفتار بازیگران در MACTOR
Source: Bendahan, 2003, 4

ماتریس‌های نفوذ (MDI)^۱ و اصرار (2MAO)^۲ در واقع دو ورودی نرم‌افزار MACTOR هستند و نرم‌افزار مبتنی بر این دو، کلیدی‌ترین بازیگران و موقعیت، توان، واگرایی و همگرایی بازیگران را ارزیابی می‌کند.

ماتریس MDI نفوذ مستقیم بازیگران بر یکدیگر را بیان می‌کند به گونه‌ای که میزان نفوذ از صفر به‌عنوان بی‌اثر تا چهار به‌عنوان اثر بسیار زیاد تعیین می‌گردد. نرم‌افزار ماتریس MIDI^۳ را ارائه می‌کند که میزان نفوذ غیرمستقیم و مستقیم بازیگران بر یکدیگر را نشان می‌دهد.

ماتریس 2MAO برای سنجش میزان اهمیت ذهنی هر مسئله برای هر بازیگر است. این اهمیت به‌صورت طیفی و از ۴- به‌عنوان مخالفت بسیار زیاد تا صفر به‌عنوان بی‌تفاوت و ۴+ به‌عنوان موافقت بسیار زیاد تعیین می‌شود. ماتریس موقعیت یعنی IMAO در واقع همان ماتریس اصرار است که صرفاً به موافقت (+۱)، بی‌تفاوتی (صفر) و مخالفت (-۱) می‌پردازد. این ماتریس را نرم‌افزار براساس علامت جبری اعداد ماتریس 2MAO ارائه می‌دهد.

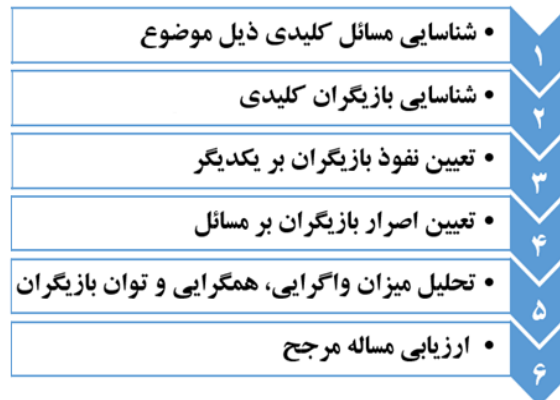
اما اصلی‌ترین ماتریسی که مبنای تحلیل‌های کلیدی خواهد بود، 3MAO است که با ترکیب خاصی از MIDI و 2MAO به‌دست می‌آید.

ماتریس 3MAO سه مؤلفه کلیدی ارائه می‌دهد؛ توان بسیج‌کنندگی^۴ هر بازیگر به‌همراه میزان موافقت^۵ و مخالفت^۶ با هر مسئله. نرم‌افزار MACTOR در گزارش خروجی خود، جداول مربوط به هم‌گرایی (CAA)^۷ و واگرایی (DAA)^۸ بازیگران بر هر مسئله را برای هر سه ماتریس MAO ارائه می‌دهد. میزان واگرایی و همگرایی بازیگران بر سر مسائل می‌تواند ائتلاف‌ها، همسویی در مذاکرات و سناریوهای منتهی به مسئله مرجع را فراهم سازد (Bendahan, 2003).

ضریب آمبی‌والانس، دیگر خروجی مکتور است. برخی بازیگران می‌توانند هر دو موضع همگرا و واگرا را در مورد اهداف مختلف به‌اشتراک بگذارند. این بازیگران دوسوگرا نامیده می‌شوند؛ اگر بخواهند متحد شوند، باید فقط روی آن اهداف مشترک کار کنند و اهداف متفاوت خود را کنار بگذارند. دوسوگرایی

^۱. Matix of Direct Influence
^۲. Matrix of valued positions Actor X Objective
^۳. Matrix of Indirect and Direct Influences
^۴. Mobilization
^۵. Agreement
^۶. Disagreement
^۷. Convergences Actor X Actor
^۸. Divergences Actor X Actor

بازیگر با سه شاخص تعادلی با استفاده از موقعیت‌های ساده (1MAO)، ارزشی (2MAO)، سپس ارزشی و وزنی (3MAO) آنها محاسبه می‌شود که طبیعتاً سومی، از اهمیت بیشتری در تحلیل برخوردار است. براساس آنچه درخصوص مکتور آمد و با احتساب احصای بازیگران و مسائل کلیدی در چارچوب موضوع، مدل عملیاتی تحقیق به شکل زیر است:



شکل ۲: مدل عملیاتی تحقیق متناسب با روش مکتور

د) محیط‌شناسی: بیت شیعی عراق و مواضع خارجی اعضای آن

بیت شیعی عراق، از بازیگران متنوع و متکثری تشکیل شده است؛ مراجع تقلید، مرجعیت اعلی، جریان صدر، جریان حکمت، حزب الدعوه، حزب فضیلت، سپاه بدر، عصاب اهل حق، النجباء و... در این میان برخی بازیگران شیعه سکولار هم‌چون ایاد علاوی نیز وجود دارند که البته به دلیل کنشگری سیاسی متعارض و متضاد با بیت شیعی، در اینجا ذیل این بیت قرار نگرفته‌اند. این برون‌گذاری علاوی از بیت شیعی عراق، براساس سوگیری‌های وی در عرصه خارجی نیست، بلکه سراسر ماهیت داخلی دارد؛ عضویت در حزب بعث عراق و سپس خروج از آن به دلیل برخی اختلافات، تنها یک دلیل برای عضو نداشتن وی در بیت شیعی محسوب می‌شود. مرور تحولات سیاسی عراق از سال ۲۰۰۳ تاکنون، بیانگر آن است که وی و یارانش، هیچ‌گاه در بیت شیعی این کشور عضویت نداشته‌اند و حتی در برخی موارد، ممانعت از قدرت‌یابی وی، انسجامی قابل توجه به سایر بازیگران شیعه عراق داده است. انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۰، مصداق بارز چنین مدعایی است؛ علاوی با لیست العراقیه، بیشترین کرسی را در انتخابات پارلمانی کسب کرد و سایر بازیگران شیعه عراق، برای ممانعت از نخست‌وزیری وی، حتی حاضر شدند برخی اختلافات اصولی خود با نوری المالکی را طی فرایندهایی، کنار گذارند. طی چندسال اخیر نیز، از جمله در سال ۱۴۰۰، هرگاه بازیگران شیعه عراق برای پیشبرد امور سیاسی این کشور، فراتر از مواضع اصولی و تاکتیکی، گرد هم آمده‌اند، علاوی حضور نداشته است؛ درجایی که حتی صدر و مالکی به‌عنوان دو رقیب سیاسی سنتی، حضور داشته‌اند. بنابراین، واقعیت این است که نه اعضای کنونی بیت شیعی، علاوی را عضوی از این بیت می‌دانند و نه علاوی، چنین تصویری دارد؛ این دو، با شدت‌های متفاوت، به مرزهای دگربودن

برای یکدیگر نزدیک شده‌اند و علاوی چنین فهمی از رقابای شیعه خود دارد، به‌خصوص که همچنان به عدم توفیقش در دستیابی به نخست‌وزیری در سال ۲۰۱۰ اشاره می‌کند. براین‌اساس، صرف شیعه‌بودن علاوی، نمی‌تواند موجب عضویت وی در بیت شیعی مصطلح عراق باشد. در هر صورت، رویکردهای خارجی مهم‌ترین بازیگران این بیت به شرح زیر است:

مرجعیت اعلی: در عراق، نهاد مرجعیت شیعه که با سابقه‌ترین کنشگر سیاسی در بیت شیعی محسوب می‌شود، عملاً یک بازیگر ملی است. اکنون که این نهاد، با وجود بیوت مراجع اعظام، در اختیار آیت‌الله سیستانی است، همچنان در تنظیم رویکردهای کلان سایر بازیگران بیت شیعی، نقشی اساسی ایفا می‌کند. در خصوص رویکرد آیت‌الله سیستانی به سیاست خارجی، چند نکته قابل تأمل وجود دارد. نخست اینکه ایشان به‌لحاظ نوع نگاه به دولت به مفهوم کلان آن، رویه‌ای مابین امام خمینی^(۵) و آیت‌الله خویی را برگزیده‌اند. ایشان اگرچه شاگرد برجسته مدرسه و مکتب آیت‌الله خویی است، اما در نگاهی واقع‌بینانه به محیط عراق، نظریه‌ای را در خصوص دولت پیش گرفته‌اند که از سوی برخی به نظریه «اراده الامه» نامگذاری شده است. این نظریه نماینده رویکردی واقع‌بین میان ولایت مطلقه فقیه امام خمینی و ولایت جزئیه آیت‌الله خویی است که اولی اختیارات فقیه را موسع و دومی، مضیق می‌داند (الحمود، ۱۳۹۷: ۱۰۹). چنین منشی از آیت‌الله سیستانی، موجب می‌شود تا ورود ایشان به حوزه سیاست خارجی نیز در سطوح کلان و البته متناسب با همراهی مردم صورت گیرد و بر لغو هرگونه امتیاز و تأکید بر وحدت و همگرایی در جهان اسلام، تصریح نمایند (فراشی، ۱۴۰۰: ۱۱۷). مشخصاً ایشان به‌عنوان مرجع اعلی شیعیان در عراق که نقشی ملی نیز دارد، نسبت به آمریکا، رویکردی واگرایانه و تقابلی اما تدریجی و نسبت به جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان حامی شیعیان عراق، مشی تعاملی داشته و آن را در سطحی کلان، همسو می‌بیند و حتی خود را نسبت به آن مسئول می‌داند.^۱ در خصوص عربستان نیز به‌عنوان یک همسایه عربی با رویکردهای خاص مذهبی و سیاسی و نقش‌آفرینی‌های متفاوت در عراق، در مقیاس ملی و بایسته‌های همسایگی، به اتخاذ موضع می‌پردازد.

حزب دعوت اسلامی (الدعوه الاسلامیه): این حزب که در سال ۱۹۵۷ با رهبری افرادی چون آیت‌الله شهید سیدمحمد باقر صدر و آیت‌الله سیدمهدی حکیم تشکیل شد، در شرایط کنونی عراق، عمدتاً با نوری المالکی و فهرست انتخاباتی دولت قانون شناخته می‌شود، چراکه این شخص و این فهرست، سال‌ها است به نمایندگی از حزب الدعوه، به کنشگری سیاسی در عراق می‌پردازند. در اساسنامه حزب الدعوه آمده است که این حزب آزادی کشورهای اسلامی از سیطره استعمار، پشتیبانی از بنای دولت اسلامی برای زمینه‌چینی تشکیل دولت جهانی اسلام و دعوت به پذیرش اسلام را از اهداف خود می‌داند (الاعلام مرکزی حزب الدعوه مرکزی، ۱۴۱۴). حزب الدعوه در آغاز خواهان برپایی نظام سیاسی با تکیه بر اصل شورا بود، اما این دیدگاه با پیروزی انقلاب اسلامی به‌سود نظریه ولایت فقیه تغییر کرد و سپس این حزب به این نتیجه رسید که نظریه ولایت فقیه با ویژگی و بافت جامعه عراق سازگاری ندارد،

^۱ آیت‌الله مرتضی اشرفی شاهرودی از آیت‌الله سیستانی نقل می‌کند: «در خصوص ایران و مسائل آن، نزد خداوند مسئولیت داریم؛ لذا کلمه‌ای در تضعیف نظام اسلامی ایران بر زبان نخواهم راند. ایران، یگانه مملکت دارای حکومت اسلامی است و باید در راستای تقویت این نظام تلاش کنیم.» (فراشی، ۱۴۰۰: ۱۲۱)

لذا آمیزه‌ای از اصل شورا و نظریه مذکور را مطرح کرد (اسدی، ۱۳۹۰: ۱۱۶). این حزب در حوزه خارجی، به دلیل پیوندهای عمیق آن با جمهوری اسلامی ایران، نزدیک به آن تلقی می‌شود. حمایت‌های ایران از نوری المالکی در سال‌های نخست‌وزیری وی، اگرچه اصولی و در چارچوب حمایت از عراق قوی و برای افزایش ثبات داخلی صورت می‌گرفت، اما رسانه‌های عربی مخالف با ایران و شیعیان عراق، تلاش داشتند تا المالکی را مزدور ایران تصویرسازی کنند. در مجموع سیاست خارجی حزب الدعوه در شرایط فعلی نزدیکی به ایران، حفظ مناسبات متعادل با واشنگتن، بهبود روابط با همسایگان عرب با ضرورت درک احترام متقابل و جلوگیری از تنش بیشتر با ترکیه و آرام نگاه‌داشتن اوضاع با این کشور در عین اتخاذ موضع تلقی می‌شود (قزوینی غرابی، ۱۳۹۵).

جریان حکمت ملی عراق: پیش از تشکیل این جریان، به واسطه حضور سیدعمار حکیم در مجلس اعلا‌ی اسلامی عراق، این مجلس یک بازیگر مهم در بیت شیعی عراق محسوب می‌شد. با انشعاب عمار حکیم از مجلس اعلا در ۲۴ ژوئیه ۲۰۱۷ و تشکیل جریان حکمت ملی، عملاً توان کنشگری مجلس اعلا به شدت کاهش یافت و اکنون جریان مذکور است که با بهره‌برداری از میراث خاندان حکیم، به سیاست‌ورزی در عراق می‌پردازد. برای این انشعاب، دلایل متعددی از جمله اختلاف نظر حکیم با سایر اعضای برجسته مجلس اعلا در خصوص جوان‌گرایی و ... طرح شده است، اما برخی معتقدند یک دلیل مهم‌تر، تلاش حکیم برای بازتنظیم روابط خود با جمهوری اسلامی ایران، فراتر از الگوهای متداول مجلس اعلامی اسلامی بوده است (Mouzahem, Aug 24: 2017). برخی از رویکردهای بعدی حکیم، این گزاره ادعایی را تقویت کرد، چراکه او با تأکید بر نقش خاص عراق میان قطب‌های منطقه، بر نوعی ملی‌گرایی و تلاش برای دور نگه‌داشتن عراق از عرصه رقابت‌های منطقه‌ای و بازیابی نقش منطقه‌ای تاریخی عراق تأکید دارد (صفار، ۱۳۹۹). نوع نگاه خاص حکیم بر سلاح گروه‌های مقاومت در عراق و تأکید بر انحصار این امکان برای دولت، گویای تفاوت نظر وی با گروه‌های نزدیک به ایران است. مخالفت طولانی‌مدت وی در قامت یکی از برجسته‌ترین شخصیت‌های مجلس اعلا‌ی اسلامی در سال ۲۰۱۰ نسبت به نوری المالکی و مشخصاً نخست‌وزیری مجدد او در آن سال، از دیگر مواردی است که در این چارچوب قابل تحلیل است (اسدی، ۱۳۹۰: ۱۲۸).

جریان صدر: جریان صدر در عرصه سیاست خارجی، یکی از بازیگران فعال و البته پرفراز و نشیب در عراق محسوب می‌شود که بعضاً رفتارهایی متعارض با رویه‌های سابق خود را پیش می‌گیرد. جریان صدر همچنان یکی از ضدآمریکایی‌ترین گروه‌ها در عراق است. عملکرد اولین شاخه نظامی آن در شرایط اشغال عراق یعنی جیش المهدی^(عج) در مقاومت مسلحانه با نیروهای اشغالگر، در فضای سیاسی و رسانه‌ای، بسیار برجسته شد. مخالفت با توافقنامه امنیتی عراق و آمریکا، برگزاری تظاهرات متعددی و با جمعیت‌های بسیار علیه آمریکا و ... از دیگر اقدامات جریان صدر در ضدیت با آمریکا است (اسدی، ۱۳۹۰: ۱۳۸-۱۳۹). مقتدی صدر، رویه ضدآمریکایی را همچنان نیز در بیانیه‌های خود دنبال می‌کند. اما آنچه محل بحث است، نوع نگاه وی به جمهوری اسلامی ایران است؛ صدر در عین حفظ چارچوب‌های کلان ارتباطی با ایران، رویه انتقادی را در قبال آن در دستور کار قرار داده است و می‌کوشد به هر بهانه‌ای،

این رویه را تقویت کند و نسبت به آنچه مداخله جمهوری اسلامی ایران در عراق می‌نامد، اعتراضات پرتکرار و شدیدالحنی را به صورت علنی مطرح می‌کند (قزوینی غرابی، ۱۳۹۵). برخی نگاه‌های قومی و عرب‌گرایانه که پیش‌تر در پدر مقتدی صدر و در چارچوب تعیین مرجعیت شیعه در نجف مطرح بود (اسدی، ۱۳۹۰: ۱۳۲)، اکنون در مواضع کنونی جریان صدر در قبال ایران، قابل ردیابی است. او در عین ضدیت با آمریکا و اعتراض به ایران، در پی توسعه متوازن سیاست خارجی عراق و ایجاد ممانعت برای مداخله‌جویی دیگران در مسائل داخلی این کشور است.

گروه‌های سیاسی متصل به حشدالشعبی: جریان بدر، عصاب اهل حق و... گروه‌هایی هستند که در دوره‌های اخیر، در پیوند با حشد الشعبی، به کنشگری سیاسی می‌پردازند و مشخصاً لیست انتخاباتی الفتح به ریاست هادی العامری، برجسته‌ترین قالب جمعی فعالیت آنها است. این گروه‌ها در سیاست خارجی، خود را در پیوند با جمهوری اسلامی ایران قرار داده و اگرچه گزاره‌هایی چون ضرورت حضور منطقه‌ای عراق را طرح می‌کنند اما غیریت‌سازی معناداری میان آنها با عربستان و حتی ترکیه وجود دارد. در مواجهه با آمریکا نیز آشکارا بر ضدیت با آن اصرار دارند و در پیوستاری از شدت عمل، با آن در حوزه‌های سیاسی و حتی امنیتی، مبارزه می‌کنند. آنها در عرصه سیاسی عراق، به‌عنوان امتداد جمهوری اسلامی ایران تصویرسازی شده‌اند و خود نیز بارها علاوه بر آمریکا، در مواجهه با عربستان و ترکیه نیز مواضع تندی اتخاذ کرده‌اند.

ه) یافته‌های پژوهش

برای شناخت آینده عراق متناسب با تمایلات خارجی اعضای بیت شیعی این کشور، از نرم‌افزار تحلیل بازیگر مکتور استفاده شد تا مشخص گردد از برهم‌کنش این تمایلات، عراق آینده از منظر این بیت، چگونه خواهد بود. براساس نظرات خبرگان مورد رجوع که پیش‌تر تشریح شدند، پنج بازیگر کلیدی بیت شیعی عراق به‌همراه عناوین آنها در نرم‌افزار مکتور، عبارت‌اند از:

۱. Marjaeyat (M) - مرجعیت

۲. al-Dawah (D) - حزب الدعوه الاسلامیه

۳. Hekmat (H) - جریان حکمت

۴. Sadr (S) - جریان صدر

۵. Hashd al shaabi (HS) - حشد الشعبی

براساس آرای خبرگان، چهار رویکرد در خصوص نقش و نفوذ بازیگران خارجی در عراق نیز متصور است که همراه با عناوین واردشده به نرم‌افزار مکتور عبارت‌اند از:

۱. superiority of US (S-US) - برتری آمریکا

۲. superiority of Saudi Arabia (S-SA) - برتری عربستان سعودی

۳. superiority of Iran (S-IR) - برتری جمهوری اسلامی ایران

۴. Balance (B) - توازن میان قدرت‌ها

تحلیل بازیگرمحور آینده عراق متناسب با تمایلات خارجی اعضای بیت شیعی آن

بر اساس این بازیگران و مسائل، دو ورودی به نرم‌افزار مکتور یعنی ماتریس‌های نفوذ مستقیم (MDI) و اصرار (2MAO) بنابر نظر خبرگان، به شرح زیر هستند:

© LIPSOR-EPITA-MACTOR

MDI	M	D	H	S	HS
M	0	2	2	1	3
D	1	0	1	1	2
H	1	1	0	1	1
S	1	1	1	0	1
HS	1	2	1	1	0

شکل ۳: ماتریس نفوذ مستقیم - MDI

© LIPSOR-EPITA-MACTOR

2MAO	S-US	S-SA	S-IR	B
M	-3	-3	2	2
D	-3	-3	2	1
H	-2	-2	1	3
S	-4	-3	-2	2
HS	-4	-4	3	1

شکل ۴: ماتریس اصرار بازیگران بر مسائل - 2MAO

بر اساس خروجی‌های مکتور، ماتریس نفوذ غیرمستقیم بازیگران بر یکدیگر که مبنایی واقعی تر دارد، به شرح زیر است (شکل ۵):

© LIPSOR-EPITA-MACTOR

MDII	M	D	H	S	HS	=
M	4	6	5	4	7	22
D	4	5	4	4	5	17
H	4	4	4	4	4	16
S	4	4	4	4	4	16
HS	4	5	4	4	5	17
Di	16	19	17	16	20	88

شکل ۵: ماتریس نفوذ غیرمستقیم بازیگران بر یکدیگر - MDII

بر اساس این ماتریس:

- بیشترین اثرگذاری بر سایر بازیگران را مرجعیت شیعه داشته و کمترین اثرگذاری نیز از آن حکمت و جریان صدر است. البته واقعیت این است که تفاوت دو بازیگر دیگر یعنی حشدالشعبی

و حزب الدعوه با دو بازیگر مذکور، ناچیز است و بر همین اساس می‌توان مرجعیت شیعه را در سطحی از اثرگذاری و سایر بازیگران را در سطحی دیگر و مشابه به هم طبقه‌بندی کرد.

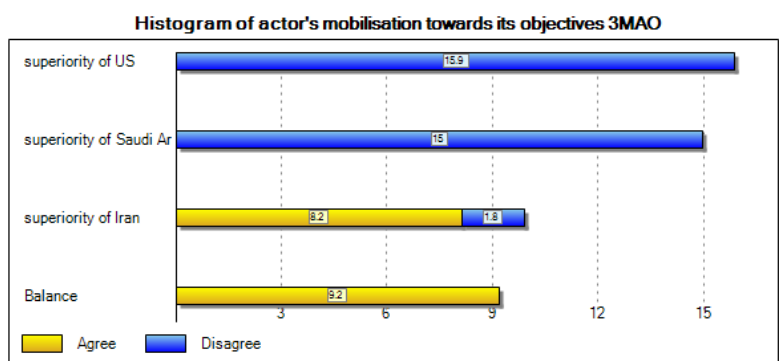
- بیشترین اثرپذیری از آن حشدالشعبی و کمترین آن متعلق به جریان صدر و مرجعیت است. اما مهم‌ترین خروجی مکتور برای تحلیل، ماتریس 3MAO است. این ماتریس، سه مؤلفه کلیدی را ارائه می‌دهد؛ توان بسیج‌کنندگی هر بازیگر به همراه میزان موافقت و مخالفت با هر مسئله (شکل ۶).

3MAO	S-US	S-SA	S-IR	B	Mobilisation
M	-4.7	-4.7	3.1	3.1	15.6
D	-2.5	-2.5	1.7	0.8	7.6
H	-1.7	-1.7	0.9	2.6	7.0
S	-3.6	-2.7	-1.8	1.8	9.9
HS	-3.3	-3.3	2.5	0.8	9.9
Number of agreements	0.0	0.0	8.2	9.2	
Number of disagreements	-15.9	-15.0	-1.8	0.0	
Degree of mobilisation	15.9	15.0	10.0	9.2	

© LPSOR-EPTA-MACTOR

شکل ۶: ماتریس 3MAO

نمودار هیستوگرام این ماتریس نیز به شکل زیر است (شکل ۷):



شکل ۷: نمودار هیستوگرام ماتریس 3MAO

براساس جدول و نمودار فوق:

- توان بسیج‌کنندگی مجموعه بازیگران برای مخالفت با برتری آمریکا در عراق، بیشترین است و پس از آن، عربستان قرار دارد. در واقع هیچ بازیگری در بیت شیعی عراق، از توان بسیج‌کنندگی برای همراهی با ایده برتری آمریکا و عربستان در عراق برخوردار نیست؛

تحلیل بازیگرمحور آینده عراق متناسب با تمایلات خارجی اعضای بیت شیعی آن

- مرجعیت، بیشترین توان بسیج‌کنندگی را در مخالفت با برتری آمریکا و عربستان در عراق داراست؛
- ایجاد توازن قوا، مورد اهتمام تمامی بازیگران بیت شیعی عراق قرار دارد اما مجموع توان بسیج‌کنندگی آنها نسبت به این گزینه، نسبت به گزینه‌های سلبی‌ای چون مخالفت با برتری آمریکا و عربستان، قابل توجه نیست؛
- برتری ایران، تنها گزینه میان چهار حالت متصور است که هم‌زمان شاهد توان بسیج‌کنندگی موافق و مخالف برای برتری خود است، اما توان بسیج‌کنندگی این بازیگران در موافقت با برتری ایران، بسیار بیشتر از مخالفت با آن است؛
- تأکید و توان بسیج‌کنندگی بازیگران بر ایده توازن، صرفاً کمی بیشتر از توان بسیج‌کنندگی آنها در خصوص برتری ایران است، البته با این ملاحظه که مقدار کمی از توان بسیج‌کنندگی در مخالفت با برتری ایران نیز مشخصاً از ناحیه جریان صدر وجود دارد؛
- مرجعیت شیعه، با اختلافی معنادار، بالاترین توان بسیج‌کنندگی بازیگران شیعه را در مجموع داراست. این بازیگر، بالاترین توان را در مخالفت با برتری آمریکا و عربستان و در موافقت با برتری ایران و برقراری توازن دارد. کمترین توان بسیج‌کنندگی در مجموع، از آن جریان حکمت است؛

همگرایی و واگرایی بازیگران بیت شیعی عراق نیز متناسب با ماتریس 3MAO به شرح زیر است

(شکل ۸):

3CAA	≤	∩	∩	∩	∩
M	0.0	11.6	11.3	10.3	12.7
D	11.6	0.0	7.3	7.0	8.8
H	11.3	7.3	0.0	7.1	8.4
S	10.3	7.0	7.1	0.0	7.8
HS	12.7	8.8	8.4	7.8	0.0
Number of convergences	45.9	34.7	34.1	32.1	37.7
Degree of convergence (%)	0.0				

© LIPSOR-EPIA-MACTOR

شکل ۸: ماتریس همگرایی میان بازیگران

براین اساس

- در مجموع، مرجعیت، بالاترین همگرایی را با دیگر بازیگران دارد؛
- در مجموع، جریان صدر، کمترین همگرایی را با دیگر بازیگران دارد؛
- بیشترین همگرایی میان مرجعیت و حشد الشعبی برقرار است؛
- کمترین همگرایی میان جریان صدر و حزب الدعوة برقرار است؛

3DAA	M	D	I	S	HS
M	0.0	0.0	0.0	2.5	0.0
D	0.0	0.0	0.0	1.7	0.0
H	0.0	0.0	0.0	1.3	0.0
S	2.5	1.7	1.3	0.0	2.1
HS	0.0	0.0	0.0	2.1	0.0
Number of divergences	2.5	1.7	1.3	7.7	2.1
Degree of divergence (%)	0.0				

© LIPSOR-EPTA-MACTOR

شکل ۹: ماتریس واگرایی میان بازیگران

براین اساس:

- در مجموع، جریان صدر، بیشترین واگرایی را از دیگر بازیگران دارد؛
 - در مجموع، جریان حکمت، کمترین واگرایی را از دیگر بازیگران دارد؛
 - بیشترین واگرایی میان مرجعیت و جریان صدر برقرار است؛
- دیگر خروجی مهم مکتور، ضریب آمبی‌والانس است که بازیگران دوسوگرا را معرفی می‌کند (شکل

۱۰):

	EQ11	EQ21	EQ31
M	0.1	0.1	0.1
D	0.1	0.1	0.1
H	0.1	0.1	0.1
S	0.5	0.4	0.4
HS	0.1	0.1	0.1

© LIPSOR-EPTA-MACTOR

شکل ۱۰: ماتریس آمبی‌والانس (دوسوگرایی) بازیگران

بر اساس این ماتریس، در هر سه حالت متناسب با 1MAO، 2MAO و 3MAO، جریان صدر دارای بیشترین دوسوگرایی است؛ این بدان معناست که این جریان نسبت به سایر بازیگران، توانایی بیشتری در به‌اشتراک‌گذاری مواضع همگرا و واگرا در مورد اهداف مختلف را داراست.

و) تحلیل یافته‌ها معطوف به منافع جمهوری اسلامی ایران

شیعیان عراق، برخلاف سال‌های نخست پس از اشغال که از همگرایی بیشتری برخوردار بودند، اکنون چندین سال است که در برخی حوزه‌های داخلی دچار واگرایی‌های نسبی شده‌اند. مواردی چون کاهش هیجان ناشی از ضرورت تاریخی حضور شیعیان در قدرت، برجسته‌شدن مؤلفه‌های کارکردی و کارآمدی، برجسته‌شدن اختلافات ریشه‌ای، مواجهه نیروهای سنت‌گرا و نوگرا و حرکت از اسلام‌گرایی به ملی‌گرایی،

بخشی از دلایل این واگرایی است (ساسانیان، شهریور ۱۳۹۶) که بر رویکردهای خارجی این بازیگران نیز اثرگذار بوده و گزینه توازن در سیاست خارجی به همراه تنوع بخشی به روابط خارجی را برای آنان برجسته تر از قبل ساخته است. در مجموع، جمهوری اسلامی ایران به عنوان اصلی ترین و مهم ترین بازیگر نزدیک به بیت شیعی عراق، ناگزیر از شناخت دقیق وضعیت موجود و طراحی راهبردهایی برای ممانعت از بهره برداری سوء بازیگران خارجی از چنین شرایطی است. بر این اساس، در تحلیل یافته های حاصل از نرم افزار مکتور، می توان موارد زیر را طرح کرد:

۱. مرجعیت، همچنان اصلی ترین نهاد تشیع در تنظیم مناسبات خارجی عراق خواهد بود. مشی رهبری آیت الله سیستانی در عراق به گونه ای است که چارچوب های کلان را طراحی و از مداخله در جزئیات پرهیز می نماید. چنین رویکردی، اگرچه بعضاً آسیب هایی را به همراه دارد اما برای جامعه خاص، متنوع و متکثر عراق، امکان کنشگری بازیگران را فراهم ساخته و منافع کلان این کشور را رقم می زند. حفظ چنین نهادی و تکریم آن که سال هاست در دستور کار جمهوری اسلامی ایران است، همچنان ضروری و تضمین کننده منافع ملی عراق و تأمین کننده امنیت ملی ایران است. در این چارچوب، گزینه بدیل آیت الله سیستانی و امکان شکل گیری بحران جانشینی در عراق، از اهمیتی خاص برخوردار است و به همین دلیل است که برخی مراکز فکری غرب بر آن و مشخصاً ایجاد اختلاف و توسعه آن میان قم و نجف، اهتمام ویژه دارند. اسکات مدل، مشاور ارشد اندیشکده CSIS در سخنرانی در کمیته امور خارجی مجلس نمایندگان آمریکا در ۱۶ فوریه ۲۰۱۷، هفت پیشنهاد مشخص و عینی برای مهار ایران را مطرح می کند که یکی از آنها، ضرورت برجسته سازی حوزه نجف در مقابل حوزه قم است. او در خصوص حوزه نجف می گوید: «نجف، رقیب اصلی ایران در رهبری جامعه جهانی شیعیان را تقویت کنید. نجف در عراق و قم در ایران از دیرباز سعی کرده اند «مرجع تقلید» اصلی شیعیان در سراسر دنیا باشند. مدل ایران، حکومت دینی است که روحانیون را در مناصب قدرت سیاسی قرار می دهد، در حالی که بالاترین مقام عراق آیت الله العظمی سیستانی به تفسیر سنتی تری از اسلام شیعی پایبند است که روحانیون را تشویق می کند از سیاست دور بمانند. باید متحدان عرب را تشویق کنیم که صراحتاً از سنت های تنزه طلبانه مداراگرتر نجف حمایت کنند، که به ویژه در گیرودار جانشینی احتمالی رهبر ایران [آیت الله] خامنه ای و درگذشت [آیت الله] سیستانی اهمیت دارد.» (Modell, February 16: 2017)

۲. بازیگران بیت شیعی عراق، مانند سایر بازیگران این کشور، در پی بازیابی نقش منطقه ای عراق هستند. اهتمام ویژه آنها به میانجی گری میان قدرت های منطقه ای و توسعه روابط خود با کشورهای مختلف منطقه، بیانگر آن است که هر قدر مشکلات و بی ثباتی های داخلی عراق کمتر شود، سیاست خارجی این کشور فعال تر خواهد شد، به خصوص اینکه برخی از نخبگان سیاسی عراق بر این باور هستند که اساساً بی ثباتی های داخلی، ریشه در رقابت های قدرت های خارجی در صحنه عراق دارد. حتی بازیگرانی چون نوری المالکی که نزدیک به ایران قلمداد می شوند، بر این نکته صریح دارند که «عراق نمی تواند یک میدان نبرد برای تهران و واشنگتن باشد. عراق

هیچ ارتباطی به مبارزه آمریکایی-ایرانی ندارد و ما اجازه نخواهیم داد ایران در برابر آمریکا و آمریکا در برابر ایران نقش داشته باشد. همه باید حاکمیت عراق را احترام بگذارد.» (CNN, February 1: 2007) براساس تحلیل کنش‌های سیاست خارجی عراق و اظهارات مقامات آن، بازیابی نقش سابق در جهان عرب، یکی از اصلی‌ترین رویکردها در عراق کنونی است. بیت شیعی عراق نیز که مشخصاً در تعیین نخست‌وزیر، کلیدی‌ترین بازیگر است، چنین رویکردی را پیش گرفته است و توازن در سیاست خارجی را مطرح می‌کند. اگر یافته‌های حاصل از مکتور در نظر گرفته شود، چنین رویکردی، تعارضی بنیادین با گزینه حفظ نفوذ جمهوری اسلامی ایران در عراق نخواهد داشت. براساس یافته‌ها، میزان اهتمام بازیگران بیت شیعی عراق به گزینه توازن، چندان تفاوتی با اهتمام آنها با گزینه برتری ایران ندارد، البته با احتساب این نکته که گزینه توازن، فاقد مخالف است اما گزینه برتری ایران، مخالفی چون جریان صدر را در مقابل دارد. در این میان باید این نکته را نیز در نظر داشت که علاوه بر بیت شیعی، بازیگران قدرتمند دیگری نیز در عراق حضور دارند. بنابراین به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران ضمن درک نیازهای عراق کنونی و هم‌چنین ادراک بازیگران شیعه آن، لازم است تا حضور و نفوذ خود در عراق را با کمترین اصطکاکی با گزینه توازن در عراق، پیش ببرد. طبیعی است که چنین رویکردی، پیچیده و دشوار باشد، اما استقبال ناگزیر از توازنی که در آن، ایران همچنان متحد راهبردی بیت شیعی باشد و در پی توسعه روابط با سایر بازیگران برآید، در بردارنده منافع بیشتر خواهد بود، به خصوص که بنای عراق با تمام تکثر خود، تنوع‌بخشی به روابط خارجی است. البته طبیعی است که در این میان، حضور اشغالگران در عراق و نقش‌آفرینی در چنین توازنی، در چارچوب مواضع اعلانی جمهوری اسلامی ایران، مطلوب نیست.

۳. جریان صدر که براساس ماتریس آمبی‌والانس، بیشترین دوسوگرایی را دارد، می‌تواند هر دو موضع همگرا و واگرا را در مورد اهداف مختلف به‌اشتراک بگذارد. این ظرفیت، می‌تواند له یا علیه جمهوری اسلامی ایران استفاده شود. شخصیت مقتدا صدر و نوع کنشگری او در مقابل جمهوری اسلامی ایران طی سال‌های اخیر و به خصوص در انتخابات پارلمانی گذشته و انتخاب نخست‌وزیر، گویای آن است که ظرفیت‌های واگرایی او از ایران، می‌تواند بستری برای رقبای ایران باشد تا بیت شیعی را در صحنه سیاسی عراق، تضعیف نمایند. البته صدر به خوبی می‌داند که جدایی او از بیت شیعی، امکان و گستره سیاست‌ورزی او را تحدید خواهد کرد و همین امر باعث شده تا در رفتارهای خود، اساس و مبنای کلان حضور خود در سیاست را مخدوش نکند و در مواجهه با ایران، مرجعیت و حشد الشعبی، ملاحظاتی را در نظر گیرد. در هر صورت، دوسوگرایی صدر، همان قدر که می‌تواند محملی برای شکل‌گیری تهدید علیه ایران باشد، بستری برای فرصت‌سازی نیز محسوب می‌شود.

نتیجه گیری

عراق به عنوان کشوری که ویژگی‌های ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیکی و ژئوکالچری متفاوت، درهم تنیده و پیچیده‌ای دارد، اکنون و با گذشت سال‌ها از سقوط صدام و عبور از تهدیدات بزرگی چون داعش که بقای این کشور و نظام سیاسی آن را تهدید می‌کرد، به ثباتی نسبی دست یافته است. در چنین شرایطی، نوع نگاه بازیگران عراقی و از جمله اعضای بیت شیعی این کشور به قدرتهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و تمایل به همگرایی بیشتر با آنها جهت حضور مؤثرتر در عراق، مسئله‌ای است که از ابعاد مختلف، قابل مطالعه و بررسی است. این مهم در شرایطی است که اعضای بیت شیعی عراق، در فضایی متفاوت از سال‌های اشغال عراق و دستیابی به قدرت برای نخستین بار، زیست می‌کنند و همین امر به همراه مناسبات و ضروریات جدید منطقه و عراق، باعث شده تا خط اختلاف و تفاوت در رویکردهای داخلی و حتی خارجی، بیشتر از قبل در میان برخی از این بازیگران قابل مشاهده باشد.

این مقاله با بهره‌گیری از نظرات خبرگان، تمایلات پنج بازیگر اصلی بیت شیعی عراق یعنی مرجعیت اعلی، حزب الدعوة، جریان حکمت، جریان صدر و گروه‌های سیاسی وابسته به حشد الشعبی را نسبت به چهار گزینه برتری آمریکا، برتری عربستان، برتری ایران و برقراری توازن قوا با استفاده از روش تحلیل بازیگر و در بستر نرم‌افزار مکتور، بررسی کرد. نتایج این بررسی، از محوریت معنادار و بافاصله مرجعیت در بیت شیعی عراق حکایت داشت، به گونه‌ای که ایشان اصلی‌ترین بازیگر به لحاظ توان بسیج‌کنندگی در هر یک از چهار حالت متصور بوده و نقشی اساسی در آینده عراق بازی می‌کنند. نکته قابل تأمل دیگر، مطلوبیت توازن قوا به همراه تنوع در روابط خارجی عراق برای تمامی بازیگران بیت شیعی عراق، البته با اصرارهای متفاوت است. به نظر می‌رسد این خط و اصرار در آینده نیز با تأکید بیشتری دنبال شود، اگرچه برای برخی از این بازیگران، حضور آمریکا در این تنوع و توازن، مطلوبیت ندارد. بر این اساس، جمهوری اسلامی ایران نیازمند است تا متناسب با این اصرار، کنشگری خود در صحنه عراق را بازتنظیم نماید. در واقع اصلی‌ترین متحدان ایران در عراق، عمدتاً اعضای بیت شیعی این کشور هستند و تغییر نسبی در رویکردهای خارجی آنها، به فهمی درست، جامع و روزآمد نیازمند است تا خطای شناختی و عملکردی در مواجهه با عراق جدید کاهش یابد. در این میان، جریان صدر، یکی از بازیگران قدرتمند با حامیان مردمی دارای ظرفیت بسیج‌شوندگی بالا است که رویکردهای واگرایانه آن نسبت به ایران طی سال‌های اخیر برجسته‌تر شده است. مواجهه با چنین جریانی از سوی ایران، با احتساب یافته‌های این مقاله، ضمن واقع‌بینی، باید هوشمندانه باشد؛ باید هم از فرصت ضدآمریکایی این جریان بهره برد و هم متناسب با گرایش توازن طلب آن در عرصه سیاست خارجی، به سیاست‌ورزی پرداخت تا اصطکاک و تنش کاهش یافته و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در میان شیعیان عراق که که بخشی از آنها مشخصاً حامیان مقتدی صدر هستند، کاهش نیابد. در مجموع می‌توان گفت عراق آینده، به سوی نوعی از توازن و تنوع در روابط و سیاست خارجی خود گام برخواهد داشت و باید در چنین چارچوبی، سهم ایران از سیاست خارجی این کشور را حفظ و ارتقا داد.

منابع

- اسدی، علی اکبر و محمدزمان راستگو (۱۳۹۸)، «آینده نظام سیاسی عراق: پیشران‌ها و سناریوهای پیش‌رو»، *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، سال هشتم، شماره ۲، صص ۱۲۵-۱۴۶.
- اسدی، علی اکبر (۱۳۹۰)، «شیعیان و اسلام‌گرایی در عراق»، در کتاب *خاورمیانه ۸: ویژه اسلام‌گرایی و بیداری اسلامی در خاورمیانه*، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- الاعلام مرکزی حزب الدعوة المركزية (۱۴۱۴)، *مناهجنا*.
- بخشایشی، احمد و دیگران (۱۴۰۱)، «دموکراسی انجمنی و بررسی سناریوهای آینده در عراق»، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، انتشار آنلاین: doi: 10.22054/qps.2023.69635.3099
- بوداقي، جمال، محسن خلیلی و اکبر حیدری (۱۴۰۰)، «روند پژوهی تاریخی و آینده فدرالیسم عراق»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، سال هفدهم، شماره اول، صص ۸۵-۱۱۴.
- الحمود، علی طاهر (۱۳۹۷)، *اخگر گداخته حکومت: تجربه دولت‌سازی شیعیان در عراق پس‌اصدام*، ترجمه سیدحسین مرکبی، اصفهان: نشر آرما.
- زارع میرک‌آباد، علی (۱۳۹۶)، «بررسی جایگاه تحلیل بازیگر در مطالعات آینده پژوهی»، وبگاه موسسه افق آینده‌پژوهی راهبردی.
- ساسانیان، سعید (۱۳۹۶)، «الگوی حکمرانی بر کرکوک عراق؛ بررسی مناقشات ذی‌نفعان با روش تحلیل بازیگر»، *فصلنامه آینده‌پژوهی دفاعی*، سال دوم، شماره ۴، صص ۱۰۹-۱۳۹.
- ساسانیان، سعید (شهریور ۱۳۹۶)، «افزایش روند واگرایی در شیعیان عراق؛ دلایل و ملاحظات برای ایران»، پژوهشکده مطالعات راهبردی، قابل‌بازایی در: <https://risstudies.org/> افزایش-روند-واگرایی-در-شیعیان-عراق؛-دل/
- صفار، آرش (۱۳۹۹)، «سیاست‌ورزی جریان حکمت ملی در عراق؛ چگونگی و چرایی»، اندیشکده راهبردی تبیین، قابل‌بازایی در: <http://tabyincenter.ir/38370>
- فراتی، عبدالوهاب (۱۴۰۰)، مدارس فکری حوزه نجف و نسبت آن با اندیشه انقلاب اسلامی، قم: انتشارات مکت اندیشه.
- قزوینی غرابی، رضا (۱۳۹۵)، «رویکرد احزاب شیعی عراق به سیاست خارجی این کشور»، اندیشکده راهبردی تبیین، قابل‌بازایی در: <http://tabyincenter.ir/16480>
- محسنی، سیدمحمد، احمد اشرفی و علی محمدزاده (۱۴۰۰)، «آینده‌پژوهی ثبات سیاسی در کشور عراق تا ابتدای سال ۲۰۳۰»، *فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، سال چهارم، شماره ۴، صص ۱۹۵۵-۱۹۹۳
- منتظران، جاوید و سعید قربانی (۱۳۹۶)، «سناریوهای پیش‌روی آینده عراق و تحلیل دورنمای حقوقی، بین‌المللی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، دوره ۷، شماره ۲۴
- یزدانی، عنایت‌الله، داود افشاری و بهمن ربیعی‌نیا (۱۳۹۵)، «سناریوهای محتمل آینده عراق براساس بازیگران مؤثر سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی»، *فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، دوره نخست، شماره ۱۹، صص ۵۵-۸۵.
- Alaaldin, Ranj (2018), "Sectarianism, Governance and Iraq's Future", Brookings Institution, Brookings Doha Center: https://www.brookings.edu/wp-content/uploads/2018/11/Sectarianism-governance-and-Iraqs-future_English.pdf
- Bendahan, Samuel (2003), "Multi-issue actor analysis: tools and models for assessing technology environments", *Journal of Decision Systems*, 13(2), P. 223-253.
- Bendahan, Samuel (2005), "Negotiation in technology landscapes: an actor-issue analysis", *Journal of Management Information Systems*, 21(4), P. 137-172.
- Brugh, Ruairi & Zsuzsa Varvasovsky (2000). "Stakeholder analysis: a review", *Health Policy and Planning*. Vol 15, P. 239-246.
- CNN (February 1, 2007), "Iraqi PM tells U.S., Iran to take their fight elsewhere", Available at: <http://edition.cnn.com/2007/WORLD/meast/01/31/iraq.almaliki/index.html>
- Godet, Michel, Francis Meunier & Fabrice Roubelat (2003), *Structural analysis with the MICMAC method & actors strategy with MACTOR method*, *Futures Research Methodology*, V3, Pages 1-48.
- Grimble, Robin & Kate Wellard (1997), "Stakeholder methodologies in natural resource management: a review of concepts, contexts, experiences and opportunities", *Agricultural Systems*, 55(2), P.173-193.
- Modell, Scott (February 16, 2017), "Iran on Notice: The Future of U.S. Policy Toward Iran", Foreign Affairs Committee, Available at: <http://docs.house.gov/meetings/FA/FA00/20170216/105594/HHRG-115-FA00-Wstate-ModellS-20170216.pdf>
- Mouzahem, Haytham (Aug 24, 2017), "Iraq's Hakim moves out of Iran's shadow", Al-Monitor, retrievable in: al-monitor.com/pulse/originals/2017/08/ammam-hakim-supreme-islamic-council-iraq-iran.html
- Rached, Kardo & Ahmed Bali (2019), "The Shia Armed Groups and the Future of Iraq", *Security and Defence Quarterly*, 19 (2), P. 46-57.
- Slaughter, Richard (1999), "Futures for the Third Millennium: Enabling the Forward View", Sydney: Prospect Media.

